

اثر متقابل فقه و اخلاق در یکدیگر

داود الهامی

نیروی اخلاقی؛ ضامن اجرای احکام فقهی

برای عمل شدن به قانون، تنها اعلان حکم و وجود قوه اجرائیه کافی نیست، بلکه

آنچه قانون را در سطح فرد و جامعه در هر شرائط منشأ اثر می سازد، وجود نیروی

اخلاقی و تعهد فردی و جمعی است و این نوع ضامن اجرا در درون ذات افراد و

پیوسته با ایشان همراه است.

قوانینی که در دنیا موجود هستند، از لحاظ غرض و هدف بر دو گونه است:

۱ - قوانینی که غایت آنها رفع هرج و مرج و حفظ امنیت جامعه است.

۲ - قوانینی که غایت و غرض آنها، علاوه بر امنیت جامعه، وصول بشر است به

نهایت درجه سعادت.

فقه اسلامی یکی از اینگونه قوانینی است که به نام قانون الهی به جامعه بشری

اعطا شده و عمل به این قانون سعادت حقیقی بشر را از هر لحاظ تأمین می کند ۱.

از اینجاست که اهمیت ((قانون دینی)) بر ((قانون مدنی)) به خوبی آشکار می

گردد در واقع، ((حکم)) در دین به صورت ((وظیفه)) درمی آید و در ((قانون)) به

صورت ((مقررات)) اجرا می شود و معلوم است که رعایت مقرراتی که قانون

تعیین می کند با ادای وظیفه ای که دین تکلیف می کند، چه اندازه متفاوت است و از

همین تفاوت اختلاف فاحشی نیز در تأمین سعادت جوامع پدیدار می گردد.

این است که دادستان اسبق دیوان کشور ایالات متحده آمریکا نظر به همین مزیت

است که پیروان این شریعت اطاعت از دستورات دینی را یک نوع فریضه وجدانی و

واجب دینی می شناسند و احکام آن را به دیده قداست و احترام می نگرند در صورتی

که قوانین وضعی و نظامات بشری در نظر مردم هیچگونه قداست و روحانیتی ندارند و

چه بسا که بسیاری از احکام و مقررات آن را به عنوان باری گران تلقی می کنند و

به هر وسیله و از هر راه که میسر باشد، از زیربار آن می گریزند ولی شریعت آسمانی

اسلام، در نظر پیروان آن، پرتو اراده و مظهر رضای خالق است و از این جهت تخلف از

احکام آن به عقیده مسلمانان، گناهی بزرگ و مستوجب کیفر است چنانکه دکتر

((عبدالفتاح عبدالباقی)) که یکی از اعلام حقوق و رجال قانون عصر حاضر می باشد،

به همین مناسبت می گوید:

((در قوانین وضعی سزای جرم همراه جرم است الا این که این سزا همیشه سزای

دنیوی است زیرا واضع قانون وضعی؛ طبعاً مالک آخرت نیست و نتیجه اینگونه کیفر

دادن این است که هرکس بتواند خود را به گریزگاه قانون برساند، مجرم محسوب نمی

شود)) ۲.

و نیز دکتر ((محمد یوسف موسی)) در کتاب ((الفقه الاسلامی)) پس از نقل این بیان

می افزاید:

((اما قانون آسمانی، که عالیترین نمونه آن فقه اسلامی است، در خصوص سزای

اعمال راه و رسمی دیگر دارد زیرا هم در این دنیا پاداش و کیفر می دهد و هم در

آخرت. و جزای اخروی همیشه بزرگتر از جزای دنیوی است و به همین جهت شخص

معتقد همیشه وجود پلیس سری را در نهاد خود احساس می کند که خود را از

اطاعت اوامر و نواهی او ناگزیر می بیند هرچند که در این دنیا فرار از کیفر برای او

میسر باشد...)) ۳.

از این جاست که دادستان دیوان کشور ایالات متحده آمریکا ((رابرت هوگوت

جکسون)) در مقام مقایسه میان احکام دینی اسلام و حقوق مدنی آمریکا، می گوید:

((قانون در آمریکا فقط یک تماس محدودی با اجرای وظایف اخلاقی دارد، در

حقیقت یک شخص آمریکائی در همان حال که ممکن است یک فرد مطیع قانون باشد،

ممکن است یک فرد پست و فاسدی هم، از حیث اخلاق باشد. ولی برعکس آن، در

قوانین اسلامی، سرچشمه و منبع قانون اراده خدا است اراده ای که به رسول او

محمد(ص)مکشوف و عیان گردیده است این قانون و این اراده الهی، تمام مومنان را جامعه واحدی می شناسد، در اینجا مذهب، نیروی صحیح و سالم، التصادق دهنده جماعت می باشد نه ملیت و حدود جغرافیایی.

در اینجا خود دولت هم مطیع و فرمانبر دار قرآن است... به نظر مومن، این جهان دهلیزی است به جهان دیگر که جهان بهتر باشد و قرآن قواعد و قوانین و طرز سلوک افراد را نسبت به یکدیگر و نسبت به اجتماع آنها معین می کند تا آن تحول سالم را، از این عالم به عالم دیگر، تأمین نماید. غیر ممکن است تئوریهها و نظریات سیاسی و

یا قضایی را از تعلیمات پیامبر تفکیک نمود، تعلیماتی که طرز رفتار را نسبت به اصول مذهبی و طرز زندگی شخصی و اجتماعی و سیاسی همه را تعیین می کند. این تعلیمات بیشتر وظیفه و تکلیف برای انسان تعیین می کند تا حقوق. یعنی تعهدات اخلاقی که فرد ملزم به اجرای آن می باشد، بیشتر مطمع نظر است و هیچ مقامی هم، در روی زمین نمی تواند فرد را از انجام آن معاف بدارد و اگر از اطاعت سرپیچی کند، حیات آینده خود را به مخاطره انداخته است)) ۴.

زمینه سازی برای پذیرش احکام

برای این که قانونگذار، از وضع قانون به نتیجه مطلوب برسد، تنها دقت در تحسین و تحکیم قانون کافی نیست، بلکه علاوه بر این، لازم است که قانونگذار از طرف

کسانی که قانون برای ایشان وضع شده، اطمینان حاصل نماید به این معنی که ضامن اجرائی در داخل قلوب و نفوس ایشان بگمارد و شک نیست که ضامن اجرای هر قانون ایمان مردم به عدالت قانون و خشنودی از مقررات آن است. چنانکه از قرآن و سنت استفاده می شود، تشریحات اسلامی بیش از هر شریعت و قانون از این مزیت برخوردار است زیرا احکام و تکالیف خود را بر پایه های محکم و ایمان و اعتقاد اشخاص استوار ساخته است و علاوه بر این، زمینه سازی کلی به منظور جلب قبول و کسب پذیرش مردم، برای یکایک احکام به زمینه سازی جداگانه پرداخته و از این راه از منتهای رضا و اطمینان مکلفین برخوردار شده است. اینک چند مورد را به عنوان مثال یادآور می شویم:

یکی از احکام مهم اسلامی ((زکات)) است. زکات یک نوع ضریبه بر نصابهای معین از دارائی است که می باید از پاکیزه ترین قسمت مال پرداخت گردد و شکی نیست که دل برداشتن از مال دنیا کاری بس دشوار است و با خوی بخل که در طبیعت اغلب اشخاص وجود دارد، بسی ناسازگار می باشد از این جهت شارع اسلام برای جایگزین ساختن این حکم در اعماق قلوب، با لطیف ترین وجهی به زمینه سازی پرداخته و با بیانی نافذ و موثر افکار را برای پذیرش این حکم آماده ساخته است.

چنانکه قرآن کریم در این باره فرموده است:

(خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزكیهم بها و صل علیهم ان صلاتك

سكن لهم و الله سمیع علیم)ه.

((از اموال آنها زكات بگیر تا به وسیله آن، آنان را پاک سازی و پرورش دهی و

به آنها(هنگام گرفتن زكات)دعا کن که دعای تو مایه آرامش آنهاست و خداوند شنوا و

داناست)).

در این آیه به دو قسمت از فلسفه اخلاقی و اجتماعی زكات اشاره شده و خطاب به

پیامبر فرموده: تو با این کار آنها را پاک می کنی و نمو می دهی، و آنها را از رذائل

اخلاقی، از دنیاپرستی و بخل و امساک پاک می کنی و نهال نوع دوستی و سخاوت و

توجه به حقوق دیگران را در آنها پرورش می دهی. از این گذشته، مفاسد و

آلودگیهایی که در جامعه به خاطر فقر و فاصله طبقاتی و محرومیت گروهی از جامعه

به وجود می آید، با انجام این فریضه الهی بر می چینی و صحنه اجتماع را از این

آلودگیها پاک می سازی. و نیز همبستگی اجتماعی و نمو و پیشرفت اقتصادی

در سایه اینگونه برنامه ها تأمین می گردد بنا بر این حکم زكات هم ((پاک کننده فرد

و اجتماع)) است و هم نمو دهنده بذریع فضايلت در افراد و هم سبب پیشرفت جامعه. و

این رساترین تعبیری است که درباره زكات می توان گفت: از یکسو آلودگیها را می

شوید و از طرف دیگر تکاملآفرین است.

قرآن کریم با این بیان خاطرنشان ساخته است که پرداخت زکات به نفع خود

مودیان زکات است زیرا از طرفی آئینه نفوس را از زنگار بخل و امساک می زداید و از

طرفی جامعه را از عوامل کینه و حسد پیراسته می سازد.

بدیهی است، پس از ساختن چنین زمینه محکم در قلوب، آنگاه که فقه اسلامی

جزئیات این حکم را بیان کند، هیچ شخص مسلمان و معتقد به قرآن و سنت به خود

اجازه نمی دهد از پرداخت زکات امتناع ورزد.

نمونه دیگر، موضوع ((جهاد)) است و جای تردید نیست که این خود حکمی بسیار

دشوار است زیرا بیشتر مردم بیش از آنچه در بذل مال بخل می ورزند، از بذل جان

مضایقه دارند. از این رو قرآن در مقام ترغیب و تشویق به جهاد منطقی محکم بکار برده

و اشعه انوار خیره کننده وحی را تا اعماق دلها نفوذ بخشیده و انجام این وظیفه را از

جهان و آنچه در آن هست، برتر شمرده و شخص شهید را به وعده خلود در سرای

سعادت و رضای خداوند دلگرم و امیدوار ساخته و از آن جمله فرموده است:(کتاب

علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا

شیئا و هو شر لکم والله یعلم و انتم لا تعلمون)۶.

((جهاد در راه خدا بر شما مقرر شده است درحالی که از آن اکراه دارید و چه

بسا از چیزی اکراه داشته باشید، که خیر شما در آن است و یا چیزی را دوست بدارید

که شر شما در آن است و خدا می داند و شما نمی دانید)).

این آیه اشاره به یک اصل اساسی در قوانین تکوینی و تشریحی خداوند می کند و

روح انقیاد و تسلیم را در برابر این قوانین در افراد انسان پرورش می دهد و آن این که

افراد بشر نباید در برابر قوانین پروردگار تشخیص خود را ملاک قضاوت قرار دهند،

زیرا به طور مسلم علم آنها از هر نظر محدود و ناچیز و در برابر مجهولات آنها همچون

قطره ای در برابر دریاست. بنابراین قوانینی که از علم خداوند سرچشمه می گیرد،

هرگز نباید در برابر آن روی درهم کشید، بلکه باید بدانند همه آنها به سود و نفع

آنهاست ۷.

همچنین در آیه دیگر جهاد در راه خدا را معامله ای سودآور تعبیر می کند و

شهادت یا پیروزی در میدان جهاد در راه خدا را مستوجب اجری عظیم می شمارد و

این حقیقت را با بیانی نافذ و مهیج اینگونه بیان می کند:

(فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوه الدنیا بالآخره و من یقاتل فی سبیل الله

فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجرا عظیما)۸.

((کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته اند، باید در راه خدا پیکار کنند و آن

کس که در راه خدا پیکار کند و کشته شود، یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم

داد)).

آیه کریمه، مشعر بر جهت اهمیت جهاد است زیرا کسی در این پیکار قدم می

نهد که از سر جان در می گذرد و چون خداوند عادل است اجری برای مجاهد در راه

خدا مقرر فرموده است که مناسب با بذل جان باشد و چون خداوند هر حسنه را به

چندین برابر پاداش می دهد، می توان گفت که پاداش جهاد در راه خدا برون از حد و

نهایت است.

ضمناً آیه به این معنی اشعار دارد که لازمه بهره مند شدن از این اجر بزرگ تنها

کشته شدن نیست و آنان که موجب غلبه اسلام می شوند و پس از جنگ زنده می مانند،

آنان نیز از این اجر عظیم برخوردارند.

و در مورد دیگر ((جهاد)) را به معامله ای تشبیه می کند و خریدار را خدا و

فروشنده را مردم مومن و مبیع را جان و مال ایشان و ثمن را بهشت و شروع به

معامله را قیام به جهاد قرار می دهد و این معامله پرسود را بر این گونه مطرح می کند:

(ان الله اشترى من المومنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله

فيقتلون و يقتلون و عدا عليه حقا في التوراه و الانجيل و القرآن و من اوفى بعهدہ من

الله فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به و ذلك هو الفوز العظيم)۹.

((خداوند، جانها و اموال مومنان را خریده است که در عوض آن به آنان بهشت

ارزانی دارد، چه این مومنان در راه خدا می جنگند و می کشند و کشته می شوند. این

وعده راستین بر عهده خداست و به این وعده در تورات و انجیل و قرآن تصریح شده

است. ای پیغمبر به آنان که به پیمان الهی وفا کنند، بگو شما را به این معامله که با

خدا کرده اید، بشارت باد. آن معامله فوز و رستگاری بزرگ است)).

گذشته از این آیات و نظائر آن، که به عنوان زمینه سازی برای قبول فداکاری و

جانبازی در میدان جهاد در قرآن کریم آمده است، احادیثی بسیار مهیج و تکان دهنده

از پیامبر اسلام(ص) در تأیید و تأکید این موضوع رسیده است که مقام، گنجایش

ذکر آنها را ندارد.

البته چنین زمینه سازی برای تشریح حکم جهاد، فداکاری و جانفشانی را برای

مسلمانان سهل و آسان ساخت.

و یک نمونه دیگر موضوع تحریم خمر و شراب است. شرابخواری در زمان

جاهلیت و قبل از ظهور اسلام فوق العاده رواج داشت و به صورت یک بلای عمومی

درآمده بود، تا آنجا که بعضی از مورخان می گویند:

عشق عرب جاهلی در سه چیز خلاصه می شد: شعر و شراب و جنگ! و نیز از

روایات استفاده می شود که حتی بعد از تحریم شراب مسأله ممنوعیت آن برای

بعضی از مسلمانان فوق العاده سخت و سنگین بود، تا آنجا که می گفتند: ((ما حرم

علینا شیی اشد من الخمر)) ((هیچ حکمی بر ما سنگین تر از تحریم شراب نبود)) ۱۰.

بدیهی است که اگر شارع اسلام می خواست بدون رعایت اصول روانی و اخلاقی و

اجتماعی با این بلای بزرگ عمومی به مبارزه برخیزد، ممکن نبود و لذا از روش تحریم

تدریجی و آماده ساختن افکار و اذهان برای ریشه کن کردن میگساری که به

صورت یک عادت ثانوی در رگ و پوست آنها نفوذ کرده بود، استفاده کرد و زمینه را

برای اعلان حکم قطعی آماده ساخت بدین ترتیب که نخست در بعضی از سوره های

مکی اشاراتی به زشتی این کار نمود چنانکه در سوره نحل می خوانیم: (و من

ثمرات النخیل و الاعناب تتخذون منه سکرًا و رزقا حسنا...) ۱۱ ((از میوه های درخت

نخل و انگور، مسکرات و روزیهای پاکیزه فراهم می کنید)) .

در اینجا ((سکر)) یعنی مسکر و شرابی را که از انگور و خرما می گرفتند، درست

در مقابل ((رزق حسن)) قرار داده است و آن را یک نوشیدنی ناپاک و آلوده شمرده

است. ولی عادت زشت شرابخواری از این ریشه دارتر بود، که با این اشاره ها ریشه

کن شود.

دومین دستور در زمینه منع شرابخواری به صورت قاطع تری نازل گشت، تا

افکار را برای تحریم نهائی آماده تر سازد و آن هنگامی بود که آیه (یسئلونک عن

الخمیر و المیسر قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما اکبر من نفعهما)) ۱۲ نازل

گردید در این آیه ضمن اشاره به منافع اقتصادی مشروبات الکلی برای بعضی

جوامع، همانند جامعه جاهلیت، اهمیت خطرات و زیانهای بزرگ آن را که به درجات از

منافع اقتصادی آن بیشتر است، یادآور می شود. و به دنبال آن فرمود: (یا ایها الذین

آمنوا لا تقربوا الصلوه و إنتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون) ۱۳ به مسلمانان صریحا

دستور داده شد که در حال مستی هرگز نماز نخوانند تا بدانند با خدای خود چه می

گویند.

آشنائی مسلمانان به احکام اسلام و آمادگی فکری آنها برای ریشه کن ساختن

این مفسده بزرگ اجتماعی و اخلاقی که در اعماق وجود آنها نفوذ کرده بود، سبب شد

که دستور نهائی با صراحت کامل و بیان قاطع که حتی بهانه جویان نیز نتوانند به آن

ایراد گیرند، نازل گردید: (یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام

رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون); (انما یرید الشیطان ان یوقع بینکم

العداوه و البغضا فی الخمر و المیسر و یریدکم عن ذکرالله و عن الصلوه فهل انتم

منتهون) ۱۴.

((ای کسانی که ایمان آورده اید، شراب و قمار و بتها و ازلام پلیدند و از عمل

شیطانند از آنها دوری کنید تا رستگار شوید.

شیطان می خواهد در میان شما به وسیله شراب و قمار عداوت ایجاد کند و شما

را از ذکر خدا و از نماز باز دارد آیا(با این همه زیان و فساد و با این نهی

اکید) خودداری خواهید کرد؟!)).

شک نیست که این استفهام، پس از ایراد آن بیان موثر در شرح و توضیح زیانهای

خمر و میسر، عقل و وجدان مخاطبین را تحت تاثیر شدید قرار داده و جوابی مثبت و

حاکی از کمال خضوع و تسلیم از اعماق ضمیر ایشان برآورده در راه صحیح و روش

موثر مبارزه با عادات زشت را به مصلحین بشریت تعلیم داده است!

با توجه به این حقایق، تفاوت تشریحات وضعی و قوانین بشری با شرایع آسمانی

معلوم می شود و ثابت می گردد که تفاوت میان آن دو از زمین تا آسمان است.

بنابراین، اخلاق مانند جان در همگی مفاصل و پیوندهای شرع و فقه اسلام نفوذ و تأثیری بسزا دارد و سبب پذیرش احکام و ضامن اجرای شریعت اسلام می باشد.

قصاص و گذشت

قرآن مجید آنجا که از شدیدترین کیفرها سخن به میان آورده که طبع حساس و دل نازک بعضیها ممکن است از آن آزرده و متأثر گردد، به دنبال آن به توصیه اخلاقی پرداخته تا جلو خشکی و شدت قانون را بگیرد و تا حدودی آن را ملایم نماید.

مثلا قتل عمد از بزرگترین گناهان و خطرناکترین جنایاتی است که امنیت اجتماع را دستخوش اختلال می سازد و به همین جهت کیفر این گناه در کلیه شرایع و قوانین از شدیدترین کیفرها و غالباً قتل است و این گناه از قدیمی ترین گناهان در اجتماع بشری است که تمام شرایع و ادیان باستانی درباره آن بحث کرده اند.

تورات در قانونگذاری خود جانب مقتول را رعایت کرده و بر ولی دم مقرر داشته است که قاتل را بکشد و هیچگونه رحم و شفقتی درباره قاتل روا نداشته است ولی در انجیل بیشتر عنایت و رعایت معطوف و متوجه قاتل شده است ۱۵.

ولی شریعت اسلام در این باره حد وسط میان یهودیت و مسیحیت را اختیار نموده

است به این معنی که قاتل را محکوم به قتل کرده ولی به ولی مقتول اختیار داده است

که از ریختن خون قاتل درگذرد و به گرفتن دیه اکتفا کند.

قرآن مجید در این باره می فرماید: (یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی

القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الانثی بالانثی فمن عفی له من اخیه شیئی فاتباع

بالمعروف و ادإ الیه باحسان ذلک تخفیف من ربکم و رحمه فمن اعتدی بعد ذلک فله

عذاب الیم)۱۶.

((ای مومنان درباره کشتگان حکم قصاص بر شما نوشته شده است به این ترتیب

که آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس اگر کسی از

ناحیه برادر(دینی) خود مورد عفو قرار گیرد(و حکم قصاص تبدیل به خونبها گردد)

باید از راه پسندیده پیروی کند(و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر

بگیرد) و او(قاتل) نیز به نیکی دیه را(به ولی مقتول) بپردازد، این، تخفیف و رحمتی

است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد

داشت)).

قرآن کریم چنانکه ملاحظه می شود، در این آیه، ولی مقتول را برادر قاتل

خوانده تا به وسیله آن عاطفه او را برانگیزد و دلش را به جانب عفو و رحم متمایل

سازد.

و از سوی دیگر با جمله (و اِدا الیه باحسان) به قاتل توصیه شده که در پرداخت

خونبها با نیکوئی و بدون سهل انگاری رفتار نماید و بدهی خود را به طور کامل و به

موقع ادا کند.

چنانکه می بینیم، قرآن مجید در عین حال که حکم اصلی را ((قصاص)) قرار

داده و برای پیشگیری از اثرات سوء آن در کنار این حکم، حکم اخلاقی ((عفو)) را

عنوان نموده است و در آیه دیگر، پس از آن که کیفر هر بدی و آسیب و خسارت را

که بر کسی وارد شود، سیئه و خسارت و آسیبی همانند آن تعیین کرده است، عفو

کنندگان و اصلاح کنندگان را به اجر الهی نوید داده، آنگاه جهت رفع تعدی و تجاوز

در کیفر، محبت خود را از ستمکاران و متعدیان سلب فرموده است:

(...فمن عفی و اصلح فاجره علی الله انه لا یحب الظالمین) ۱۷.

و در آیه دیگر فرموده: (و ان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتهم به و لئن صبرتم فهو

خیر للصابرین) ۱۸.

((اگر در مقام عقوبت و کیفر باشید همانند عقوبت و لطمه ای که بر شما وارد شده

است، عقوبت کنید و اگر صبر و بردباری ورزید، یعنی از کیفر عقوبت درگذرید، این

صبر و گذشت برای شما بهتر است)). دلیل مزیت عفو و صبر در مقابل عقوبت

همانا اجر الهی است که به هیچ وجه با گرفتن خونبها یا تشفی، حس انتقام قابل

مقایسه نمی باشد.

و در آیه دیگر می خوانیم:(و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس و العین بالعین و

الانف بالانف و الاذن بالاذن و السن بالسن و الجروح قصاص فمن تصدق به فهو

کفاره له و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الظالمون)۱۹.

این آیه قسمت دیگری از احکام جنائی و حدود الهی تورات را شرح می دهد و می

فرماید: ((ما در تورات قانون قصاص را مقرر داشتیم که اگر کسی عمدا بی گناهی را به

قتل برساند، اولیای مقتول می توانند قاتل را در مقابل اعدام نمایند و...)).

و اگر کسی آسیب به چشم دیگری برساند و آن را از بین ببرد او نیز می تواند

چشم او را از بین ببرد و همچنین در مقابل بریدن بینی، جایز است بینی جانی بریده

شود و نیز در مقابل بریدن گوش بریدن گوش طرف مجاز است و... و به طور کلی

هر کسی جراحی و زخمی به دیگری بزند، در مقابل می توان قصاص کرد)).

بنابراین، این حکم قصاص به طور عادلانه و بدون هیچ گونه تفاوت از نظر نژاد و طبقه اجتماعی و طائفه و شخصیت اجرا می گردد و هیچ گونه تبعیضی در آن از این جهات راه ندارد ۲۰.

ولی برای آن که این توهم پیش نیاید که خداوند قصاص کردن را الزامی شمرده و دعوت به مقابله به مثل نموده است به دنبال این حکم یک توصیه اخلاقی نموده، و فرموده است:

((اگر کسی از حق خود بگذرد و عفو و بخشش کند، کفار ای برای گناهان او

محسوب می شود و به همان نسبت که گذشت به خرج داده خداوند از او گذشت می کند)) .

در حدیثی از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود: ((کسی که عفو کند، خداوند به همان اندازه از گناهان او می بخشد)) ۲۱.

این جمله در حقیقت پاسخ دندان شکنی است به کسانی که قانون قصاص را قانون وحشتناک و غیر عادلانه شمرده اند که مشوق روح آدمکشی و مثله کردن است زیرا از مجموع آیه استفاده می شود که اجازه قصاص برای ایجاد ترس و وحشت در جانیان و در نتیجه تأمین امنیت جانی برای مردم بی گناه است و در عین حال راه عفو و بازگشت نیز در آن گشوده شده است.

و این نشان می دهد که اسلام حتی در بیان شدیدترین قوانین کیفری نیز رسالت

اخلاقی خود را فراموش نکرده است.

پی نوشت:

(۱) دکتر شهابی، ادوار فقه، ج ۱، ص ۱۶ - ۲۰.

(۲) نظریه القانون، ص ۱۷ - ۱۶.

(۳) الفقه الاسلامی، ص ۶۹.

(۴) حقوق در اسلام، مجید خدوری، ترجمه زین العابدین رهنما، چاپ اقبال، از مقدمه ربرت هوگوت جاکسون.

(۵) توبه: ۱۰۳.

(۶) بقره: ۲۱۶.

(۷) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۶۵.

(۸) سوره نسا: ۷۴.

(۹) توبه: ۱۱۱.

(۱۰) به نقل تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۷۰.

(۱۱) نحل: ۶۷.

(۱۲) بقره: ۲۱۹.

(۱۳) نساء: ۴۳.

(۱۴) مائده: ۹۱ - ۹۰.

(۱۵) انجیل متی, اصحاح پنجم, شماره ۴۱ - ۳۸.

(۱۶) بقره: ۱۷۸.

(۱۷) شوری: ۴۰.

(۱۸) نحل: ۱۲۶.

(۱۹) مائده: ۴۵.

(۲۰) البته این حکم مانند سایر احکام اسلامی درای شروط و مقرراتی است که در کتب فقهی آمده است.

(۲۱) نورالثقلین, ج ۱, ص ۶۳۷ - تفسیر نمونه, ج ۴, ص ۳۹۴.

مکتب اسلام شماره ۱, فروردین ۷۹